

ارتباط اسطوره و حماسه به پایه ی شاهنامه و منابع ایرانی

مقدمه

حماسه از ترکیب چند عنصر تشکیل می شود که یکی از آنها اسطوره و مایه های اساطیری است و احتمالاً به سبب تشخیص یا اهمیت بیشتر این عامل نسبت به عناصر سازنده ی دیگر ، بعضی از محققان حماسه را صورت تغییر یافته ی اسطوره و برآمده از بطن آن دانسته اند. دلایل اصلی و یکی از تبدیل اسطوره به حماسه بر پایه ی روایات و منابع ایرانی (بویژه شاهنامه) عبارتست از :

حرکت فکری بشر از روزگار اسطوره زیستی / باوری به دوران اسطوره پیرایی و در نتیجه ی آن ، در آمدن اساطیر به قالب های خرد پذیرند.

عصر پهلوانی ملت ها و گزارش روایات و معتقدات اساطیری بر پایه ی پندها و نگرش های طبقه جنگجویان جابجایی مکان ، نقل یک داستان ، یا رواج یک باور و اسطوره و دگرگونی های ناشی از ان در داستان های حماسی متأخرتر تصرفات و دخالت های روایان به هنگام نقل از روایات.

با تأمل در زمینه های اساطیری داستان ها و موضوعات حماسی ایران ، به طور عموم ده نوع و روابطه زمینی شدن میان اسطوره و حماسه وجود دارد :

۱- محدودیت زمانی

۲- حد مکانی

۳- کاهش صبغه قدسی و مینوی زمینی شدن

۴- جابجایی یا دگرگونی

۵- شکستنی

۶- انتقال

۷- قلب یا تبدیل

۸- ادغام یا تلفیق

۹- حذف

۱۰- فراموشی

میان اسطوره و حماسه ارتباطی اسطوره و بنیادین وجود دارد. چنان که از یک منظر حماسه صورت ادبی و روایی مدون و منظم اسطوره تلقی می شود، چون هم در مرحله پیدایش و هم خصوصاً تحریر و تثبیت نهایی، محصول دورانی بوده که ذوق و ذهن انسان به روزگار باستانی اسطوره سازی و اسطوره گرایی، پرورده تر و منتظم تر بوده است، از همین روی در حماسه غالباً با یک ساختار داستانی وحدت مند و تقریباً منطقی و متوالی روبرو هستیم، حال آنکه در اسطوره صبغه ی روایی یا اصلاً دیده نمی شود و یا بسیار ضعیف و نامنسجم است.

درباره این نظر که اسطوره به حماسه تبدیل می شود یا به بیانی دیگر، حماسه از درون اسطوره بیرون می آید، به این نکته باید توجه داشت که این یک حکم کلی است و بعضی از مصداق های اساطیری و حماسی را در بر می گیرد زیرا اسطوره همواره و حتماً به حماسه تبدیل نمی شود. (سرکاری ۱۳۷۱).

پس هرگز نمی توان لزوماً برای همه موضوعات، عناصر و اشخاص حماسی، زمینه یا پیشینه ی اساطیری جستجو کرد، بطوری که مثلاً رستم با آن همه نامداری و اعتبار در شاهنامه و فرهنگ ایران، صرفاً یک شخصیت حماسی است و در اسطوره های شناخته شده هند و ایرانی نباید در جستجوی پیش نمونه ی اساطیری وی بود. این موضوع (یعنی: بنیان اساطیری بخشی از داستان های حماسی) بیشتر به سبب وجود دو خاستگاه مختلف ذهنی و اجتماعی برای اسطوره و حماسه است. اسطوره گزارشی از نگاره های ذهنی انسان باستانی درباره ی جهان و موجودات است، اما حماسه، روایت ذهن همان انسان در دورانی متأخر با نیازها و ویژگی های دیگر که در عین حال، بعضی از معتقدات و مایه های دیرین اساطیری و گاه نیمه مقدس خود را و اغلب بصورت ناخودآگاه در ضمن سروده ها و داستان های حماسی نگه داشته است.

نظریه تبدیل اسطوره به حماسه، به ویژه در میان اقوام هند و اروپایی، از دیرباز مورد توجه مستشرقان و اسطوره شناسان غیرایرانی بوده است، از جمله استیک و یکنندو سوئدی، در مقاله ای علاوه به بنیاد اساطیری مهابها راتای هندی، زمینه های اساطیری

شاهنامه را نیز نشان داده و تحقیقات او گرایش ویژه ای را در چگونگی تغییر اسطوره به حماسه در بین هند و اروپاییان ایجاد کرده است. (در این باره، رک : سرکاراتی ،

۱۳۷۸ : ۸۶ و ۸۷)

دلایل اصل کلی تبدیل اسطوره به حماسه را بر پایه منابع ایرانی (خصوصاً شاهنامه) در چند دسته می توان تقسیم بندی کرد :

۱- نخست این که با تکامل تمدن و فرهنگ انسان و به تبع آن جهان بینی ها و باورهایش و نیز تغییراتی که در محیط پیرامونی او پدید آمده، حرکت فکری بشر از عصر اسطوره زیستی / باوری، به دوران اسطوره پیرایی بوده است. در روزگار اسطوره زیستی / باوری اساطیر مبنای باورها و استنباط های انسان و در متن زندگی فردی و اجتماعی او بوده و آنها را به عنوان حقایق مطلق، ازلی و مقدس می نگریسته ، اما در دوره دیگر اسطوره ها به تأثیر از نگاه خرد مدارتر و تعقلی انسان به آنها، اندک اندک جنبه ی باورشناسی خود را تا حدی از دست داده است. و تفکر اسطوره باوری بشر ضعیف تر شده، لذا اسطوره ها برای این که ملموس تر شوند و بتوانند در چنین فضایی باقی بمانند، به قالبی در آمده اند که بیشتر به زندگی و شرایط انسان نزدیک بوده است. یعنی آیین ها ، معتقدات ، نبردها ، دشواری ها و غم و شادی های حیات او را با فرو نهادن بخش اعظمی از ارزش اعتقادی و آلمانی خود و به شکلی این جهانی ، اما مثالی و نمونه وار، ترسیم کرده اند و طبیعی است که در این ساختار جدید، رنگ و

بویی از ویژگی های تاریخی و اجتماعی هر دوره را نیز پذیرفته اند. این روند اسطوره پیرایی در تاریخ فرهنگ ایران در شاهنامه به اوج ظهور خود رسیده و اساطیر ایرانی در شاهنامه در حماسی ترین و داستانی ترین صورت خویش نمایان شده است.

۲- پیدایش حماسه معمولاً محصول عصر پهلوانی ملت هاست و این دوره با بینش قهرمانی، روزگار اعتبار ارزش های نظامی و ضرورت حضور پهلوان است. از این روی روایات، بن مایه ها و باورهای اساطیری که بیشتر از این ادوار باور دینی یا اعتقادی داشته است. غالباً پندها و نگرش های طبقه ی جنگجویان و در بستر داستان های حماسی پرداخته می شود. در نتیجه این علت اجتماعی - تاریخی یا طبقاتی برای نمونه، نبردهای ازلی و مقدس ایزدان و اهریمنان بصورت جنگ های پهلوانان نیک و بد، با اهداف ملی و میهنی در می آید و ساخت روایی می گیرد. چون جامعه یا کشور در برهه ای از اوضاع تاریخی و اجتماعی خود به سر می برد که خواستار چنین داستان های شکوهمند و برانگیزاننده ای است.

عامل دیگری که می توان در بحث علل تغییرات اسطوره در حماسه بدان پرداخت، موضوع جابجایی مکان نقل یک داستان یا رواج یک باور و اسطوره است. بدین معنی که احتمال دارد بر اثر انتقال مکانی روایت یا آیینی، عناصر از آن نیز در قیاس با شکل نخستین و اساطیری خویش دچار دگرگونی هایی شود و در داستان های متأخر حماسی به همان صورت تغییر یافته باقی بماند. در کنار این مسایل باید اضافه کرد که

داستان های شفاهی تا هنگامی که به مرحله کتابت در نیامده اند از سوی روایان نقل می شوند و در هر بار نقل و روایت ممکن است تغییراتی در جزئیات داستان های روی دهد به همین جهت نقش این روایان در کیفیت ظهور مایه های اساطیری در حماسه به انواع گوناگون و تبدیل اسطوره به ساخت حماسه قابل اشاره است.

۲- ارتباط اسطوره و حماسه

ارتباط اسطوره و حماسه بر پایه شاهنامه و منابع ایرانی به ده صورت دیده می شود و به عبارت دیگر در بررسی اسطوره و حماسه به طور عموم می توان به این تغییرها، تفاوت ها و پیوندها میان این دو رسید :

۱- **محدوده ی زمانی :** در اسطوره زمان ازلی و نامعین است. اما در حماسه با این که بسیار قدیمی است ، هرگز بی آغاز و ازلی نیست و این تفاوت به ویژه در موضوع آفرینش بهتر نمایان می شود. و منظور از این که اسطوره ازلی ولی حماسه کردن ولی زمان مند، بدین معنی است که برای روی داد اساطیری نمی توان حد زمانی تعیین کرد. برای نمونه نبرد فریدون و اژی دهاک در اوستا ترتیب و محدوده زمانی نداد اما همین واقعه هنگامی که در ساخت داستان حماسی قرار می گیرد مطابق روایات زمان بند می شود و به عبارت دیگر، در ترتیب تاریخی حماسه و در این جا شاهنامه مقابله فریدون و ضحاک حادثه ای است که بعد از پادشاهی جمشید و در طول هزار سال شهریاری ضحاک اتفاق افتاد. هرچند که این زمان ها و ترتیب خود مفهوم دقیق ندارد

اما در مقابله با گزارش حماسی محدودتر و زمان مندتر می شوند و باید به این نکته

نیز اشاره کرد که در اساطیر و حماسه های ایران می توان سه زمان را نام برد:

۱- زمان اساطیری : که محدوده و دوران آن هیچ گاه مشخص نیست و ازلی است.

۲- زمان حماسی : که در مقایسه با زمان اساطیری تا حدود معینی البته در چارچوب

های حماسی دارد و بسیار قدیمی است نه ازلی

۳- زمان تاریخی : که هنگام و ترتیب وقوع هر روی داد دقیقاً معلوم است و یا به هر

حال در زمانی دنیوی و خطی اتفاق افتاده بوده و مرور بر ما روشن نیست. (برای مثال

پشوتن پسر کشتاسب که از جاویدان یزدان است و تا رستاخیر در گنگ در زنده

خواهند ماند).

۲- حد مکانی : در اسطوره مکان آسمانی و مینوی است و حدود معینی ندارد و به

اصطلاح بی مکان است اما در حماسه، مکان زمینی ، این جا و دارای محدوده

مشخصی است، البته این حد مکانی حماسه، گاه همه مکانی و جهانی است که در

برابری حدی و همه سوی فضایی اساطیری قرار دارد. (مثلاً البرز در اوستا کوهی است

که جایگاه جغرافیایی معین ندارد و همین کوه در شاهنامه در نواحی مختلف اما معین

و محدود قرار دارد) تقسیم بندی سه گانه زمان در روایت ایرانی ، درباره مکان نیز

مصادق دارد.

۱- مکان اساطیری : فضایی آسمانی و نامحدود و لامکان

۲- مکان حماسی : زمینی ملموس و این جهان و محدوده ی معینی دارد. هرچند که

گاهی ممکن است همه جای باشد.

۳- مکان واقعی یا طبیعی : مربوط به جغرافیای تاریخی که حد مکان دقیق و مشخص

دارد و بر خلاف مکان حماسی یک جا و یک سواست و هرگز همه مکانی نیست.

۳- کاهش صبغه قدسی و مینوی (زمینی شدن) : به هنگام تبدیل اسطوره به حماسه،

ارزش های دینی و اعتقادی اسطوره یا کاملاً از بین می رود. همانگونه که پتازونی،

پژوهشگر ایتالیا می گوید : در داستان های حماسی نخستین نشانه ها جریان دینوی

شدن اساطیر است که در این جریان در نهایت اعتبار مذهبی خود را از دست می دهند.

و از سوی دیگر شخصیت ها و عناصر فراطبیعی اسطوره هنگام ورود در ساختار

حماسی جلوه زمینی ، طبیعی و مخصوص به خود را می پذیرند. که از نمونه های

زمینی شدن اسطوره در حمسه گیومرث است که به روایت بندهش بالا و پنهان یکسان

بوده آیا همین موجود عجیب الخلقه در شاهنامه انسانی معمولی یا ویژگی های بیشتر

خاکی است.

۴- جابه جایی یا دگرگونی : اسطوره ممکن است در طول زمان و مکان میان مردمان

گوناگون دچار تغییراتی شود و شکل دیگر می یابد که به این دگرگونی اصطلاحاً

جابهجایی اساطیر می گویند. و به طور کلی هرگاه آیینی در جامعه از بین رود اسطوره

مربوط به آن نیز تغییر می یابد و یا احتمال دارد آیینی برای ادامه بقا نیازمند اسطوره ی دیگری باشد. ویژگی اساسی جابه جای ادبی اساطیر در حماسه جایگزین کردن مرد در مقام ایزد است (سرکاراتی ، ۱۳۷۸ : ۲۱۶). نکته جالب تر این که این جا به جای فقط مربوط به اشخاص نیست بلکه در مورد مکان ها نیز مصداق دارد. برای مثال تبدیل اژی دهاک و سه کله و سه پوزه به ضحاک ماردوش.

۵- شکستنی : گاهی در مرحله گذر اسطوره حماسه و یا بیش از این واقعه روایت مضمون یا شخصیتی دچار شکستگی و تقسیم می شود و پاره هایی از آن در یک یا چند داستان، موضوع و شخصیت دیگر حماسی نمود، می یابد.

۶- انتقال : در جریان تکوین داستان های حماسی، امتحان دارد کارها یا ویژگی های یک شخصیت یا یک موجود اساطیری به کس یا چیز دیگر منتقل شود. برای مثال در بندهش (ص ۶۶) کیومرث بر اثر تازش اهریمن میمیرد اما در شاهنامه این فرجام به فرزند وی منتقل شده و در نبرد اهریمن و سیاه او :

سیامک به دست خزوران دیو تبه گشت و ماند لانجمن بی خدیو

موضوع انتقال ، غیر از مراحل گذر اسطوره به حماسه، در متن خود روایت حماسی اتفاق می افتد و از کثرت وقوع به شکل نوعی قانون حماسی نیز در آمده است.

۷- قلب یا تبدیل : ممکن است برخی اشخاص یا عناصر اساطیری در چارچوب داستانی حماسی به صورت وارونه ماهیت یا سرشت باستانی خویش در آمدند. از

جمله توس پهلوان نامدار اوستایی که شخصیتی نیک و دین دار دارد و در شاهنامه
دچار قلب و به پهلوانی سبک سریر پرخاشگر تغییر چهره داده است.

و لیکن سپهند خردمند نیست سرود مغز او در پند نیست.
هنر دارد و خواسته هم نژاد نیارد همی بردن از شاه یاد.

۸- حذف: اگر معیار اصلی برای بررسی کیفیت ظهور اسطوره در حماسه شاهنامه
باشد حذف را نیز باید یکی از انواع ارتباط اسطوره و حماسه دانست. توضیح این که
در موردی بین مایه ها و داستان های در مأخذ اساطیری ایران به نظر می رسد که در
قالب شاهنامه نیست و حذف شده و بارزترین مقال آن رویش و ریواس زمانی
کیومرث و پدید آمدن مشی و مشاینگ نخستین زوج بشر از آن گیاه باشد که در همه
منابع پهلوی و بعضی از متون سهم پارسی و عربی آمده است (برای این منابع در
ورایتت، رک: کریستن سن، ۱۳۷۷، ص ۹۳ و ۹۱ و ۸۸) آمار در شاهنامه کمترین
نشانی از آن نیست.

۹- فراموشی: طی مراحل ورود اسطوره به حماسه ماه بنیان اساطیری برخی ترکیبات،
تعبیر، شخصیت فراموش می شود. به طوری که بازسازی آن امکان پذیر نیست و یا
صرفاً به یاری قرینه های پیدا و پنهان در متن حماسه براساس فرض و حدس قابل
بیان است. مثل کاوه آهنگر با وجود اهمیتی که در روایت حماسی اسطوره ای فریدون
و ضحاک دارد نام و نشانی در اوستا و متون پهلوانی ندارد.

۱۰- ادغام و تلفیق : شادروان دکتر مهرداد بهار بکی از چهار تحول روی داده در

اساطیر ایران را ادغام دانسته است. او می گوید. گاه افسانه های گوناگون از

شخصیت های اساطیری مختلف در شخص و خدای خاصی گرد می آیند.

برای مثال: ظاهراً در اسطوره ها و معتقدات باستانی ایرانی غیراز کیومرث ، هوشنگ و

تهمورث نیز از نمونه های نخستین انسان هستند. (رک کریستن ، سن ۱۳۷۷ ، صفحات

گوناگونی) و بی در داستان حماسی هم این اشخاص در وجود واحد کیومرث به نمود

در آمده اند.

نتیجه

انواع دهگانه مذکور، مهمترین ارتباط و تفاوت هایی است که میان اسطوره و حماسه به استناد شاهنامه و منابع دیگر قابل تقسیم بندی است و چه بسا با تأمل بیشتر بتوان بر شما و گونه های آن افزود. در بحث های ارتباط اسطوره و حماسه این نکته نیز وجود دارد که امکان دارد در منابع اساطیری اشارات و روایت هایی باشد که قابلیت تبدیل به یک یا چند داستان پرشور حماسی را دارد اما به این مرحله رسیده است. علاوه بر این دگرگونی های اسطوره در جریان تکوین حماسیه در متن خود داستان های حماسی نیز نمود می نمود. اساطیر و مضامین اسطوره ای یکسان نیست و شدت و ضعف متغیری دارد.

منابع و مأخذ

اسدی توسی (۱۳۱۷)، گرشاسپ نامه، تصحیح حبیب یغمایی، تهران

اسماعیل پور، ابوالقاسم، ۱۳۷۷، اسطوره بیان نمادین، تهران، انتشارات سروش

الیاده، میرچا، ۱۳۶۲، چشم اندازه های اسطوره، ترجمه دکتر جلال ستاری، تهران،

انتشارات توس

امید سالار، محمد، ۱۳۸۱، جستارهای شاهنامه شناسی، تهران

بهار، مهرداد، ۱۳۵۷، گنگ دژ سیاوش گرد، شاهنامه شناسی، تهران

سرکاراتی، بهمن، ۱۳۷۱، اسطوره عصر ما را آیندگان خواهند خواند، نامه فرهنگ،

سال دوم، شماره ۳

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: ارتباط اسطوره و حماسیه به پایه ی شاهنامه و منابع ایرانی
Subject:
Author: pc3
Keywords:
Comments:
Creation Date: 3/22/2012 12:28:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 3/22/2012 12:28:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 13
Number of Words: 1,847 (approx.)
Number of Characters: 10,530 (approx.)